

در گذشته فعالیت های حزب توده ایران را تا سال ۱۳۴۲ مورد بحث و بررسی قرار دادیم، اینک دنباله آن را پی می گیریم. اوضاع متلاطم سال های ۱۳۳۹-۱۳۴۲ در دوران نخست وزیری شریف امامی و علی امینی، رهبری حزب توده را که بطور عمده در خارج از ایران فعالیت داشت، به فکر انتقال چند تن از فعالین جوان به داخل ایران انداخت و در نتیجه در جریان سال ۱۳۴۱، گروهی از فعالین حزب تحت رهبری «پرویز حکمت جو» و «علی خاوری» عازم ایران شدند. دیگر اعضای این گروه عبارت بودند از: علی حکیمی و عباس شهریاری (عباسعلی شهریاری فرد). اعضای این گروه به دلیل

حکمت جو و خاوری نیز بعد از دستگیری و محاکمه به زندان های طولانی محکوم شدند. از آن جا که هویت امنیتی عباس شهریاری تا سال ۱۳۴۸ برای رهبری حزب توده و دیگر مبارزین فاش و روشن نشده بود، در نتیجه فعالیت های پلیسی و جاسوسی او صدمات زیادی را به جنبش نوین مردم که در نیمه دوم سال ۱۳۴۰ در حال شکل گیری و نضج بود، وارد ساخت. شهریاری چندی بعد، در سال ۱۳۵۳، بعد از شناسائی از طرف نیروهای انقلابی، توسط «چریک های فدائی خلق» به قتل رسید.^(۱) درباره چگونگی نفوذ عباس شهریاری در حزب، یکی از رهبران حزب

لو نرفت که ما بگوئیم کار او بوده است. بعد ها، او شروع به برقراری ارتباط با دکتر رادمنش کرد و در ایران هم با علی نقی منزوی هم خانه بوده است. شهریاری یک بار گرفتار شد که بعد از آن بود که تسلیم و ساواکی شد. ساواک به داخل هر گروهی که بچه های سالمی داشت نیروی نفوذی می فرستاد و در هر حوزه ای یک مأمور ساواک عضو جدید آن جا بود. در همان گزارشی که نماینده اش آمده و به شوروی داده بود، نشان داده شده که در هر حوزه ای یک نماینده ساواک بوده است. البته دکتر رادمنش گول او را می خورد و خیال می کند که او بطور واقع یک مبارز جدی است که با به جان خریدن

احزاب سیاسی ایران

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب ۱۳۵۷

محمود نفیسی

ابوزیسیون و احزاب و سازمان ها و گروه های مخالف رژیم شاه

آشنائی با رفقا و هواداران حزب در داخل ایران، توانستند بلافاصله به فعالیت پرداخته و در سال ۱۳۴۲ موفق به انتشار روزنامه «ضمیمه مردم» شوند. عده زیادی از کسانی که از گذشته به حزب علاقه داشتند به تدریج به حزب پیوستند ولی در بحبوحه جریانات قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، کلیه بدنه شاخه حزب در ایران و نیز گردانندگان نشریه «ضمیمه مردم» لو رفته و توسط مأمورین ساواک دستگیر شدند. «عباس شهریاری»، که از دوران مهاجرت خود به اروپا، در اواخر دهه ۱۳۳۰، به خدمت ساواک در آمده بود، کلیه اطلاعات خود را در اختیار پلیس قرار داد. اعضای اصلی گروه، از جمله

چنین می نویسد: او بعد از سال ۱۳۳۲ به کویت رفت و از آن جا در فرار دادن بعضی از رفقای ما مثل «رحیم نامور» دخالت داشت. او کارگر نفت جنوب بود و در دوره ای نیز جزو توده ای های اخراج شده از آن جا بود. مدتی در مازندران کار می کرد، بعد هم به تهران آمد و در آن جا کار کرد. این دورانی است که هنوز وی جاسوس ساواک نبود و به کویت هم رفت و آمد داشت. او در آن جا توانسته بود چند گذرنامه برای ما تهیه کند که ما آن وقت اسامی شان را نگه می داشتیم، عکس ها را عوض می کردیم و از او برای این کار استفاده می کردیم. البته گذرنامه ها هیچ وقت

خطر این کار را می کند. افرادی را هم مثل خاوری، و رفیق «حکمت جو» که در زندان مُرد، از مرز عبور داده بود تا به شوروی بروند و آن جا اصرار بکنند که همه رهبران حزب به ایران بیایند و نیز بگویند که شرایط بسیار آماده است.^(۲) با وجودی که مسأله ارتباط شهریاری با ساواک بطور مستقیم توسط دستگاه های اطلاعاتی شوروی کشف شد و رهبری حزب توده در جریان آن قرار گرفت ولی دکتر رادمنش به هیچ وجه زیر بار نرفت و آن را توطئه مخالفین خود در دستگاه رهبری حزب می دانست. نوروزی که از اعضا حزب بوده است در این باره می گوید: یک روز من و بزرگ علوی که برای

به لحاظ روانی تحت تأثیر صفای باطن رادمنش و رفتار بزرگ منشانۀ وی قرار گرفته و علی رغم تمایلات ساواک نخواستۀ است با این عمل زشت ، خود را در شکنجه و عذاب دائمی قرار دهد. (۳) پس از سرکوب قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ و نیز بعد از دستگیری و حبس اعضای حزب در داخل ایران، حزب توده ایران عمده فعالیت خود را در خارج از ایران و از آن جمله در داخل کنفدراسیون جهانی ادامه داد. عدم عملکرد و عدم حضور حزب توده در داخل ایران، به دلیل وجود ترور و خفقان از یک سو و پشتیبانی بدون قید و شرط رهبری از مواضع حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی از سوی دیگر، نه تنها باعث شد که حزب توده برای مدتی مدید نتواند در داخل ایران پایگاه های مخفی کسب کند، بلکه به خاطر رشد اختلافات ایدئولوژیکی در جنبش کمونیستی جهان ، در خارج ایران نیز دچار یک سری انشعابات شد که شرح آن گذشت. در این جا اهم این اختلافات ایدئولوژیکی را بطور مختصر مورد بررسی قرار می دهیم:

اختلافات ایدئولوژیکی - سیاسی در جنبش کمونیستی جهان با طرح «مبارزه علیه کیش شخصیت» و حمله به استالین در کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی (۱۹۵۶) که از طرف خروشچف و طرفدارانش شروع شده بود، در فاصله بین کنگره های بیستم و بیست و دوم (۱۳۶۱) رشد کرده و به یک بحران تاریخی تبدیل شد. تجدید نظر در سیاست داخلی و خارجی شوروی و مسائل جنبش کمونیستی توسط خروشچف و مخالفت شدید رهبری حزب کمونیست چین با آن ها ، در کلیه زمینه ها و بطور مشخص در مسائل زیر منعکس گشت: (۴)

۱- ارزیابی تضادهای اساسی در جهان در شرایط بین المللی آن زمان و برخورد با آن ها

۲- عدم تأکید و یا در مواقعی ، عدم قبول وجود مبارزات طبقاتی در جوامع سوسیالیستی

۳ - عدم تأکید بر اصل حزب و دولت «دیکتاتوری پرولتاریا» ، طرح و حمایت از دولت تمام خلقی و «حزب تمام خلقی»

۴ - عدم تأکید و اکثراً عدم قبول انقلاب قهرآمیز در کشورهای جهان سوم و تبلیغ «گذار مسالمت آمیز» و استقرار «دولت های دموکراسی ملی» و نیز «راه رشد غیر سرمایه داری»



دیدار رادمنش به «لایبزیگ» رفته بودیم ، در این باره از او سؤال کردیم، جواب داد که اگر شهرداری خائن بود هنگامی که در دوران حکومت صدام -مخالف رژیم شاه- برای دیدار من به بغداد رفت و آمد داشت و بطور کامل می توانست به بهانه تماس با برخی از رفقای حزبی که در ایران مسؤلیت هایی داشتند و من هم اشتیاق زیادی به دیدار آن ها داشتیم و در این باره اصرار هم می کردم ، مرا به شهرهای مرزی داخل ایران بکشاند و تسلیم ساواک که آرزومند دستگیری بالاترین مقام حزب بود ، بنماید. نوروزی اضافه می کند که من و بزرگ علوی در قبال این جواب سکوت اختیار کردیم ولی در مراجعت از «لایبزیگ» به برلین شرقی ، در قطار درباره او به بحث پرداختیم و در میان باورها و تردیدها نسبت به مسأله شهرداری به این نتیجه رسیدیم که چنانچه شهرداری مزدور ساواک هم بود به احتمال قوی

۵ - تأکید و تبلیغ «هم زیستی مسالمت آمیز» و رقابت «مسالمت آمیز» با کشورهای سرمایه داری امپریالیستی

۶ - برخورد با مسأله جنگ و صلح و تأکید بر نقش تعیین کننده سلاح های اتمی و نزدیکی با ممالک متحده آمریکا.

رهبری حزب توده در برخورد با مسائل جنبش کمونیستی و اوضاع ایران کوشید تا کلیه مواضع حزب کمونیست شوروی را بکار برده و حتی به حمایت و طرفداری جدی از آن ها بپردازد.

اختلافاتی که به خاطر مسائل فوق الذکر در جهان کمونیستی به وجود آمد و به تدریج در مبارزات ایدئولوژیکی بین دو حزب شوروی و چین توده ای انعکاس یافت ، مسائلی اساسی و پر اهمیت بودند که لزوم تجزیه و تحلیل عمیق و برخورد پر مسئولیتی را ایجاب می کرد. ولی رهبری حزب توده بدون توجه به این امر در مورد کلیه این مسائل، بدون در نظر گرفتن نقطه نظرات افراد حزب ، به طرح مواضع حزب و دولت اتحاد جماهیر شوروی پرداخته و از آن ها پشتیبانی کرد. بعدها نیز در پلنوم دهم کمیته مرکزی که در فروردین ۱۳۴۱ (آوریل ۱۹۶۲) برگزار شد، تمامی این مواضع بدون بحث و تفحص کافی توسط رهبری حزب به تصویب رسید و طی بیانیه ای از طرف حزب انتشار یافت. بررسی انتشارات و نظرات رهبری حزب و سخنان هیأت های نمایندگی آن در جلسات و کنگره های مختلف به خوبی نشان می دهد که رهبری حزب تقریباً بدون قید و شرط تمامی مواضع حزب کمونیست شوروی در مسائل کمونیستی و امور بین المللی را پذیرا شده و از آن ها حمایت کرده است. دکتر رضا رادمنش دبیر اول حزب توده در جریان شرکت در کنگره بیست و دوم حزب کمونیست شوروی، در پائیز ۱۹۶۱ ، طی نطقی چنین اعلام کرد:

بیست و دومین کنگره حزب کمونیست شوروی مهمترین حادثه تاریخی است و برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی که در کنگره حاضر به تصویب می رسد فصل جدیدی از دانش مارکسیسم-لنینیسم و ... را می گشاید.^(۵)

چند روز قبل از گشایش این کنگره، در جریان برگزاری پلنوم نهم حزب ، سی و دو نفر اعضای اصلی کمیته مرکزی متفق القول گزارش دکتر رادمنش را درباره «کنفرانس ۸۱ حزب برادر» که در مسکو برگزار شده بود، تصویب کرده و گزارش ایرج اسکندری درباره سازماندهی را نیز مورد بحث قرار داده و نظریه حزب کمونیست شوروی را درباره «دولت دموکراسی» و نه «دولت پرولتری» بدون قید و شرط پذیرفتند.^(۶) درست در همین پلنوم بود که در محاصمه و عداوت با حزب کمونیست چین توده ای ، فراکسیون معروف به طرفداری بدون قید و شرط از شوروی، قدرت را بطور کامل در دست گرفت و سه دبیر طرفدار شوروی : دکتر رضا رادمنش، ایرج اسکندری، عبدالصمد کامبخش، رهبری را در دست گرفته و افرادی مثل احسان طبری و فریدون کشاورز را از دبیری برکنار کردند.^(۷) در کنگره بیست و دوم حزب کمونیست شوروی، این سه دبیر و نیز رضا روستا، دبیر شورای متحده کارگری، بدون مخالفت و مانعی، تمامی مواضع حزب کمونیست اتحاد شوروی را در مسائل بین المللی و مسائل جنبش کمونیستی مورد تأیید کامل قرار دادند. رادمنش در نطق خود تأکید کرد که: «ما وحدت اردوگاه سوسیالیستی را همچون مردمک چشم خود عزیز می داریم و بدین جهت ما انتقاد علیه حزب کار آلبانی را تأیید می کنیم.»^(۸) در واقع تزه های مطروحه در کنگره بیست و دوم حزب کمونیست شوروی با دید رهبری حزب، بویژه سه دبیر فوق الذکر، بطور کامل انطباق

داشت و همین وحدت و جهان بینی بود که رهبری حزب را از همان ابتدا به حمایت بی دریغ از خروشچف و طرفدارانش برانگیخت. قبول تز «تمام خلقی» و «حزب تمام خلقی» می توانست به رهبری حزب توده فرصت دهد که با کاربرد آن در شرایط ایران در طی سال های بحرانی ۱۳۴۲-۱۳۳۹، به تبلیغ نظر حزب که معتقد به وحدت با تمام نیروهای اپوزیسیون - بدون در نظر گرفتن ایدئولوژی مشخص آن ها بود - بپردازد. همچنین در این دوره مشخص، حزب توده در ارتباط با شرایط ایران، بطور همه جانبه از شرکت فعال در انتخابات و مبارزات پارلمانی و مسالمت آمیز دفاع می کرد ، با در نظر گرفتن این نکته خیلی طبیعی بود که رهبری حزب از تئوری «گذار مسالمت آمیز» خروشچف دفاع کرده و علیه خط مشی «انقلاب قهرآمیز» که بطور عمده حزب کار آلبانی و حزب کمونیست چین از آن حمایت می کردند، موضع بگیرد. در این مورد احسان طبری تئورسین حزب چین می نویسد: «هر انقلابی ، یعنی انتقال قدرت حاکمه از دست طبقه یا طبقات ضد انقلابی به دست طبقه یا طبقات انقلابی به ناچار نوعی تحمیل است و این انتقال حکومت می تواند از طریق مسالمت آمیز و بدون قیام مسلحانه و جنگ انقلابی انجام گیرد . حکومت ضد ملی قوام در مقابل اتحاد اکثریت مطلق خلق (در سی ام تیر ۱۳۳۰) به حمایت از دولت ملی دکتر مصدق نیز دچار چنین سرنوشتی شد و ناچار شد که استعفا دهد. از این قبیل در تاریخ معاصر ما باز هم بوده است. حزب ما بارها گفته است و بر حسب انسانگرایی انقلابی خود ، بدون شک ترجیح می دهد که به تحول جامعه از طریق مسالمت آمیز تحقق بخشد. ولی در شرایط کنونی ایران این خود رژیم است که با محو و سرکوب

کلیه آزادی های دموکراتیک و جلوگیری از فعالیت قانونی احزاب اپوزیسیون، راه تحول مسالمت آمیز را سد کرده است. لذا نیروهای انقلابی چاره ندارند جز آنکه خود را برای تحول غیر مسالمت آمیز آماده سازند. این حکم درست است ولی این حکم نباید پایه تجویز روش های حادثه جویانه از قبیل مطلق کردن یک شکل معین از عمل غیر مسالمت آمیز قرار گیرد.^(۹)

اگر به گفته بالا خوب توجه کنیم متوجه می شویم که طبری در جمله اول، در تعریف انقلاب، تنها از دست به دست شدن قدرت حاکمه صحبت می کند و به این مسأله که انقلاب عملی قهرآمیز است که منجر به انتقال قدرت از دست طبقه ای به دست طبقه دیگری می گردد، اهمیتی نمی دهد. و در جمله بعدی، نمونه تاریخی چنین انتقال مسالمت آمیز را هم در استعفای حکومت قوام می بیند. روشن است که استعفای حکومت قوام درسی ام تیر، تغییر کابینه بود، نه انتقال قدرت یا حکومت. به غیر از رد «انقلاب قهرآمیز» و تبلیغ «گذار مسالمت آمیز»، رهبری حزب به دنبال پذیرش بی قید و شرط تزه های مطروحه در کنگره ۲۲ حزب کمونیست شوروی، نظریه «راه رشد غیر سرمایه داری» از طریق ایجاد دولت های دموکراسی ملی را نیز پذیرا شده و آن را در انطباق با شرایط ایران مورد ارزیابی

قرار داد. در قطعنامه پلنوم دهم فروردین ۱۳۴۱ کمیته مرکزی درباره دولت دموکراسی ملی و در رابطه با ایران چنین آمده است: «نضج و تکامل دولت های دموکراسی ملی دورنمای وسیعی را برای خلق های کشورهای کم رشد و از آن جمله کشور ما می گشاید. پایگاه سیاسی دولت های دموکراسی ملی عبارت است از ائتلاف کلیه نیروهای ترقی خواه و میهن پرست که برای استقلال سیاسی و دموکراسی وسیع مبارزه می کنند. پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب توده ایران رهبری را موظف می کند که در پرتو احکام مهم برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره راه رشد غیر سرمایه داری و دموکراسی ملی، خط مشی حزب ما را دقیقتر سازد.»^(۱۰)

اتخاذ این مواضع از طرف رهبری حزب، دنباله روی بی قید و شرط آن از حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، نمی توانست روی کادرها و فعالین حزبی بی تأثیر بماند، لذا حزب توده نیز مثل احزاب کمونیستی جهان در این دوره، تحت تأثیر اختلافات ایدئولوژیکی سیاسی بین دو حزب شوروی و چین، دستخوش تحول و انشعاب های مختلف گردید. شرح این سه انشعاب که در دوره (۱۳۴۳-۱۳۴۵) به وقوع پیوست، در مطالب گذشته داده شده است.

این انشعاب ها در تضعیف حزب و ریزش پایه های اجتماعی آن، بویژه در بین جوانان و دانشجویان خارج از ایران، نقش مهمی را ایفا کرده است.

پانویس:

- ۱- درباره پیشینه عباس شهریاری و خدمات او به جنبش چپ در ایران در سال های ۱۳۴۸، رجوع کنید به: «خاطرات ایرج اسکندری»، جلد سوم، ص ۱۴۹ تا ۱۵۵.
- ۲- «تاریخ بیست و پنج ساله ایران»، غلامرضا نجفی، جلد اول، ص ۳۲۸. «اعدام انقلابی عباس شهریاری»، سازمان چریک های فدائی خلق، ۱۳۵۴، بدون ذکر مکان چاپ
- ۳- گفت و گو با تاریخ؛ مصاحبه با کیانوری، «متن کامل»؛ ص ۷۲۵
- ۴- «در آن سوی فراموشی؛ یادی از دکتر رضارادمنش دیر کل اسبق حزب توده»؛ هوشنگ منتصری، ص ۷۴
- ۵- درباره اختلافات ایدئولوژیکی و سیاسی بین احزاب کمونیست شوروی و چین و تأثیر آنها در جنبش کمونیستی ایران رجوع کنید به: «جنبش کمونیستی ایران»؛ سپهر ذبیح؛ ۲۲۷-۲۳۹ و ۲۴۱-۲۴۵؛ D.N.Jacob گردآورنده مانیفست جدید کمونیست و مدارک مربوطه، چاپ ایلینوی، ۱۹۶۱
- ۶- مجله توده، شماره ۲۱، ص ۷۴ و ۷۵
- ۷- روزنامه مردم، ۴ آذر ۱۳۴۰
- ۸- «جنبش کمونیستی ایران»، ص ۳۳۰-۳۳۶
- ۹- همان جا، ص ۳۳۷
- ۱۰- «پیام به بیست و دومین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در ۲۸ اکتبر ۱۹۶۱، در نشریه تبلیغات و جریانات کمونیستی در خاور میانه، شماره ۹۸، (نوامبر ۱۹۶۱) و مجله دنیا، سال هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۴۵
- ۱۱- روزنامه مردم، ۱۵ اسفند ۱۳۴۱

دی جی یار DJ YAR
خدمات دی جی
 برای عروسی، نامزدی، تولد، پارتی خصوصی، سالگرد ازدواج
 با بهترین آهنگهای روز، هیجان جشنها
 و مهمانی های شما را چندین برابر می کنیم
713-367-0787
 E-mail: amir.malek20@Gmail.com



فرآورده های بهداشتی و آرایشی
دکتر گلشاهی
 در هوستون
برای دریافت فرآورده های
Cosmetic Anti-Age
با من Olga Flores تماس بگیرید
 10% Glycolic Acid Facial Cream • Moisturizing Cream
 Skin Rejuvenation Cream
832-878-4984